

دکتر محمد اسماعیل افراسیابی  
وکیل پایه یک دادگستری

## سیستم فدرالسیم<sup>۱</sup> در ایالات متحده آمریکا

در سیستم فدرالسیم صلاحیت‌های مقننه و اجراییه میان حکومت فدرال و حکومت‌های عضو فدرال تقسیم می‌شوند، در عین حال که حکومت‌های ایالتی دارای استقلال قانونی، قضایی و اجرایی می‌باشند حکومت فدرال نیز نوعی نظارت قانونی و قضایی و اجرایی به آنها دارد. در این مقاله سعی شده است صلاحیت‌های انحصاری هر یک و همچنین صلاحیت مشترک آنها را مورد مطالعه قرار دهیم.

**مبحث اول - محدوده صلاحیت‌های اختصاصی و صلاحیت‌های مشترک<sup>۲</sup>**

**گفتار اول - صلاحیت‌های انحصاری دولت فدرال<sup>۳</sup>**

**اول - مواردی که صلاحیت دولت ایالتی توسط قانون اساسی صریحاً منع یا محدود شده است.<sup>۴</sup>**

بعضی از صلاحیت‌ها برای دولت فدرال انحصاری است زیرا قانون اساسی ایالت را از اعمال این‌گونه صلاحیت‌ها محروم کرده است. مانند صلاحیت انعقاد قرارداد با دولت‌های خارجی یا چاپ اسکناس و زدن سکه.

**دوم - صلاحیت‌هایی که ذاتاً متعلق به دولت فدرال است.<sup>۵</sup>** بعضی از صلاحیت‌ها

- 
- 1- The Federal system
  - 2- Relation Spheres of Federal and state powers
  - 3- Exclusive Federal powers
  - 4- Power of state expressly limited
  - 5- Inherent federal powers

انحصاراً به دولت فدرال تعلق دارد، زیرا ماهیت آنها طوری است که فقط توسط دولت فدرال قابل اعمال است، مثلاً اعلان جنگ یا اعطای ملیت آمریکا.

### گفتار دوم - صلاحیت‌های انحصاری دولت‌های ایالتی<sup>۱</sup>

کلیه صلاحیت‌هایی که صریحاً به دولت فدرال واگذار نشده است متعلق به دولت‌های ایالتی است به عبارت ساده‌تر دولت‌های عضو فدرال دارای صلاحیت عام هستند و دولت فدرال دارای صلاحیت خاص است.

باید توجه داشت که صلاحیت‌های دولت فدرال موسعاً تفسیر می‌شوند و بنابراین در کمتر موردی صلاحیت دولت عضو انحصاری است.

بزرگترین اختیارات دولت‌های ایالتی و محلی ناشی از اصلاحیه دهم قانون اساسی است، بنابراین اصل، ایالت‌ها و حکومت‌های محلی حق وضع هرگونه قوانین و مقررات، برای تأمین سلامتی، امنیت و رفاه عمومی ساکنین، را خواهند داشت.<sup>۲</sup> به شرط اینکه سایر مقررات قانون اساسی را نقض نکنند. قابل ذکر است که دولت فدرال فاقد چنین صلاحیت عامی در مورد کل آمریکاست. ولی فقط در درمورد اداره پایتخت (واشنگتن دی سی) مانند ایالات دارای اختیارات عام است.

**مثال اول - انجمن شهر (الف)** مقرراتی وضع می‌کند که مأمورین پلیس و آتش‌نشانی حق ندارند در ساعات فراغت شغل دومی را اختیار کنند. هدف انجمن شهر در وضع چنین مقرراتی این است که افراد پلیس و آتش‌نشانی در زمان وقوع حوادث و وقایع پیش‌بینی نشده در اختیار باشند.

منافع شهر (الف) در وضع چنین مقرراتی با ضابطه ساده «داشتن منافع مشروع» ارزیابی می‌شود<sup>۳</sup> یعنی افراد پلیس یا آتش‌نشانی معترض باید ثابت کنند که شهر فاقد چنین منافع مشروعی است که کار ساده‌ای نمی‌باشد سایر اعتراضات آنها مثلاً تبعیض آمیز بودن مقررات چون سایر مشاغل و هم‌چنین پلیس و یا آتش‌نشان‌های سایر ایالات چنین محدودیتی ندارند و یا محرومیت از حق آزادی بیان، چون بعضی از افراد پلیس خواننده

1- Exclusive State Powers

2- Regulate for Health, Safety and General Welfare of its Residents

3- Rationally related to a legitimate interest of state

هستند و از آواز خواندن شبانه در کاباره محروم شده‌اند و غیره نیز به علت تبعیض آمیز بودن محتوای قانون مورد قبول قرار نخواهد گرفت.

**مثال دوم** - پس از انتشار گزارش پزشکی مبنی بر اینکه ۷۵٪ اشخاص بیش از ۷۰ سال به عارضه ضعف شنوایی مبتلا هستند بعضی ایالت‌ها قانونی می‌گذارند که از فلان تاریخ به بعد کسانی حق فروش سمعک را دارند که متخصص در بیماری‌های گوش بوده و تعلیمات مخصوص در مورد سمعک دیده باشند و اشخاص دیگر حق آن را ندارند مگر کسانی که در این تاریخ به این شغل اشتغال داشته و نام آنها در لیست فروشندگان سمعک ثبت شده باشد.

چنین قانونی معتبر است زیرا هدف ایالت از وضع این قانون حمایت از سلامتی طبقه‌ای عمده در جامعه است و در واقع ایالت (نفعی منطقی) در منع فروشندگان جدید غیر متخصص برای فروش وسایل سمعی دارد و این طبقه‌بندی (میان فروشندگان دکتر و غیر دکتر و یا میان فروشندگان سابق و فروشندگان آتی) جزء هیچ یک از طبقه‌بندی‌های مشکوک و نیمه مشکوک که بعداً مورد مطالعه قرار خواهد گرفت، نیست.

### گفتار سوم - صلاحیت‌های هم زمان دولت فدرال و دولت‌های عضو<sup>۱</sup>

#### اول - تأثیر قاعده برتری قوانین فدرال نسبت به قوانین ایالتی<sup>۲</sup>

اصل برتری قوانین فدرال نسبت به قوانین ایالتی دو نتیجه عمده به دنبال دارد، یکی در مواردی که قوانین فدرال جانشین قوانین ایالتی می‌شوند و دیگر اینکه در مواردی قوانین فدرال به طور کامل فضای قانونگزاری را اشغال می‌کنند که به طور مختصر به شرح هر یک از این آثار می‌پردازیم.

۱- اصل جانشینی قوانین فدرال<sup>۳</sup> - در دو مورد زیر قوانین فدرال جانشین قوانین

ایالتی می‌شوند.

الف) تعارض آشکار میان قوانین ایالت و قوانین فدرال<sup>۴</sup> چنانچه قانون ایالت در تضاد

آشکار با قانون فدرال باشد، قانون ایالت فسخ شده و در واقع قانون فدرال جانشین قانون

1- Concurrent federal and state power

2- Effects of supremacy clause

3- Superseding

4- Conflict between state and federal law

ایالت می‌گردد.

ب) قانون ایالت مانع اجرای اهداف قانون فدرال باشد.<sup>۱</sup>  
این قاعده حتی در موردی که ایالت در وضع قانون هدف مشروعی را دنبال می‌کند و به هیچ وجه قصد مخالفت با قانون فدرال را ندارد نیز مصداق پیدا می‌کند.  
با ذکر مثال‌هایی موارد فوق را روشن می‌کنیم.

**مثال اول** - قانون فدرال پیش‌بینی کرده که همیشه حداقل ۱۵ نفر باید در کارخانه برق اتمی حضور داشته باشند قانون ایالتی پیش‌بینی کرده که همیشه حداقل ۲۰ نفر باید در چنین تأسیساتی حضور داشته باشند. به نظر می‌رسد در این مورد قانون ایالتی قابلیت اجرا دارد زیرا در واقع سختگیری زیادتری از قانون فدرال کرده است ولی اگر این قوانین برعکس بودند یعنی قانون ایالتی حداقل ۱۵ نفر قانون فدرال حداقل ۲۰ نفر را لازم دانسته بود قانون فدرال جانشین قانون ایالت می‌گردید یعنی حداقل ۲۰ نفر لازم بود.

**مثال دوم** - عیناً در مورد درجه پخت استیک، قانون فدرال پخت در حداقل ۱۵۰ درجه فارنهایت را لازم دانسته ولی قانون ایالت ۱۳۰ درجه را کافی دانسته در این صورت قانون فدرال جانشین قانون ایالت می‌شود.

**مثال سوم** - این مثال در مورد اخلال در اهداف قانون فدرال است.

فرض کنیم یکی از ایالت‌ها قانونی وضع می‌کند که طبق آن کسانی که در مورد آنها حکم ورشکستگی صادر شده است (برابر قوانین آمریکا حکم ورشکستگی علاوه بر اشخاص حقوقی در مورد اشخاص طبیعی نیز ممکن است صادر گردد) چنانچه نسبت به جبران خسارت تصادفات قبلی خود اقدام نکنند گواهینامه رانندگی آنها ضبط می‌شود. این قانون موجب اخلال در اهداف قانون ورشکستگی فدرال است زیرا طبق قانون ورشکستگی که در صلاحیت دولت فدرال است هر کس برابر مقررات حاکم اعلام ورشکستگی کرده باشد مسؤلیتی در عدم پرداخت بدهی‌های گذشته خود، از جمله عدم اجرای حکم دادگاه مبنی بر جبران خسارات ناشی از تصادف را ندارد. در اینجا هدف مقررات ورشکستگی این است که به کسانی که ورشکسته اعلام شده‌اند فرصت شروع زندگی جدیدی را بدهد و قانون ایالت در رسیدن به این هدف اخلال می‌کند.<sup>۲</sup>

1- State law prevents achievement of federal objective

2- Perrey V. Campbell

۲- تئوری اشغال کامل فضای قانونگزاری<sup>۱</sup> - کنگره ممکن است در موضوعی به طور صریح یا ضمنی تمام فضای قانونگزاری در آن زمینه را اشغال کند یا به عبارت ساده‌تر برای دولت فدرال در آن موضوع صلاحیت انحصاری قانونگزاری ایجاد کند. در این موارد وضع هر گونه قانون و مقرراتی از طرف ایالت و حکومت‌های محلی، حتی اگر مغایرتی با مقررات فدرال نداشته باشند، بی‌اعتبار است.

چنانچه کنگره مقصد خود را صریحاً مبنی بر ایجاد صلاحیت انحصاری (اشغال کامل فضای قانونگزاری) در قوانین موضوعه بیان ننموده باشد دیوان کشور در تشخیص اینکه آیا کنگره به طور ضمنی چنین قصدی را داشته است به ملاحظات زیر توجه می‌نماید.

(الف) جامع و کامل بودن مقررات وضع شده توسط کنگره  
 (ب) به وجود آوردن ارگانی برای وضع مقررات و اعمال آنها مثلاً اداره هوانوردی دولت فدرال<sup>۲</sup>، که حاکی از قصد کنگره در وضع انحصاری مقررات مربوط به هوانوردی و استفاده از فرودگاه‌ها است.  
 (ج) آیا موضوع مورد قانونگزاری از لحاظ تاریخچه مورد توجه حکومت‌های محلی بوده است یا خیر.

(د) منافع ملی در داشتن مقرراتی یکنواخت و واحد در آن حوزه خاص.

(ه) بالاخره توضیحات مذکور در قانون فدرال

**مثال-** در مورد حراج دخانیات مقررات جامعی از طرف کنگره وضع شده است و در مقدمه این قانون پیش‌بینی شده است که وضع هر گونه مقرراتی به وسیله ایالات ممنوع است. در این صورت هر گونه قانون ایالتی در مورد حراج دخانیات بی‌اعتبار است ولو آنکه در تضاد با قانون فدرال نباشد.<sup>۳</sup>

**گفتار چهارم- مواردی که نه در صلاحیت دولت فدرال و نه صلاحیت دولت ایالتی وجود دارد<sup>۴</sup>**

نسبت به اعمال بعضی از صلاحیت‌ها هم دولت فدرال و هم دولت ایالتی منع شده‌اند.

1- Suppression or preemption doctrine

2- Federal aviation administration

3- Campbell V. Hassey

4- Absence of federal and state powers

به طور مثال شرایط انتخاب شدن برای نمایندگی کنگره آمریکا به وسیله خود قانون اساسی تعیین شده‌اند و بنابراین نه دولت فدرال و نه دولت ایالتی حق تغییر این شرایط را ندارند.

**گفتار پنجم-** تجميع اختيارات دولت‌های ایالتی<sup>۱</sup> قاعده تجميع مربوط به قراردادهای منعقدہ میان ایالات است چنانچه این نوع قراردادهای بین الدول موجب افزایش صلاحیت دولت‌های عضو به ضرر دولت فدرال گردد در این صورت توافق کنگره لازم است.

### مبحث دوم- دعاوی میان دولت‌های حاکم<sup>۲</sup>

#### گفتار اول- دعوی ایالات متحده آمریکا علیه یک ایالت<sup>۳</sup>

ایالات متحده می‌تواند ایالت را بدون رضایت وی مورد تعقیب قرار دهد دیوان کشور آمریکا دارای صلاحیت ذاتی غیر انحصاری<sup>۴</sup> (بدین معنی که دادگاه‌های فدرال نیز دارای چنین صلاحیتی می‌باشند)، برای رسیدگی به اختلافات میان ایالات متحده و ایالات عضو است.

#### گفتار دوم- دعاوی مطروحه از طرف ایالات علیه ایالات متحده،<sup>۵</sup> (دولت فدرال)

**اول-** محدودیت<sup>۶</sup> - به طور کلی چنانچه دعوی مستقیماً علیه فدرال باشد بدین معنی که در صورت محکوم شدن، «محکوم به» بایستی از خزانه دولت پرداخت شود و یا ایجاد مزاحمت در اداره امور توسط دولت فدرال گردد چنین تعقیبی بدون رضایت دولت فدرال مجاز نمی‌باشد.

**دوم-** جبران خسارت از طرف شخص مأمور<sup>۷</sup> چنانچه شخص مأمور در انجام امور محوله قصور کرده باشد بدین معنی که برخلاف اختیارات خود عمل کرده و یا از این

- 
- 1- Interest compact clause
  - 2- Intersovereign litigations
  - 3- Suits by United States against a State
  - 4- Non exclusive original j
  - 5- Suits by states against United states
  - 6- Limitation
  - 7- Spesific relief against officess

اختیارات تجاوز کرده باشد در این صورت تعقیب وی به عنوان یک شخص معمولی امکان‌پذیر است.

### گفتار سوم- دعوی یک ایالت علیه ایالت دیگر<sup>۱</sup>

یک ایالت می‌تواند ایالت دیگر را بدون رضایت آن ایالت مورد تعقیب قرار دهد دیوان عالی کشور آمریکا دارای صلاحیت ذاتی انحصاری<sup>۲</sup> برای رسیدگی باین نوع دعاوی است.

### گفتار چهارم- تعقیب یک ایالت در دادگاههای ایالت دیگر<sup>۳</sup>

چنانچه ایالتی را با رعایت ممنوعیت‌های ناشی از اصلحیه یازدهم قانون اساسی در مورد رفع تعقیب دولت‌ها توسط اتباع داخلی و اتباع خارجی، مورد شکایت اتباع یک ایالت دیگر واقع شود، در این صورت تابع صلاحیت دادگاههای آن ایالت خواهد بود.

### مبحث سوم- مصونیت میان دول حاکم نسبت به مقررات و مالیات‌ها<sup>۴</sup>

#### گفتار اول- مقررات و مالیات‌های دولت فدرال علیه ایالات و حکومت‌های محلی<sup>۵</sup>

اول- مقررات و مالیات قابل اعمال هم به ایالت و هم به افراد خصوصی<sup>۶</sup> دولت فدرال می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی<sup>۷</sup> ایالات و حکومت‌های محلی را هم زمان با فعالیت سایر گروه‌های خصوصی ایالت مشمول مالیات و یا مقررات خاصی قرار دهد. چنانچه چنین مقرراتی هم زمان به بخش دولتی و خصوصی تحمیل شود قانونی است. حتی اگر در ارتباط با مسایلی باشد که از لحاظ سنتی از مسایل محلی محسوب می‌شده‌اند.<sup>۸</sup>

1- Suits by one state against another

2- Exclusive original justification

3- Suits against a state in another states court

4- Intergovernmental tax and regulation immunities

5- Federal taxation and regulation of states and local governments

6- Tax and regulations applying to both state and private entities

7- Proprietary

8- Gracia V. San Antonio Metropolitan transit authority

**مثال- حکومت فدرال بر هر بطری آب معدنی ۱۰ سنت مالیات می‌بندد ایالت الف مالک یک کارخانه آب معدنی است در این صورت آب معدنی متعلق به این ایالت نیز مانند سایر کارخانه‌های آب معدنی خصوصی باید مالیات فوق را بپردازد.**

**دوم- مقررات و مالیات‌هایی که فقط به ایالات تحمیل می‌گردند.<sup>۱</sup>**  
مقررات و مالیات‌های فدرال که به فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی تحمیل نمی‌شوند و فقط به فعالیت‌های ایالت و حکومت‌های محلی تحمیل می‌شوند، برخلاف اصلاحیه دهم قانون اساسی در ارتباط با صلاحیت عام ایالات<sup>۲</sup> تلقی و غیرقانونی به حساب می‌آیند.

**مثال- کنگره نمی‌تواند قانونی وضع کند و برابر آن ایالات را مجبور به وضع مقررات خاصی در مورد دفن زباله‌های اتمی خود بکند و یا به موجب همین مقررات دولت فدرال را مالک زباله‌های اتمی ایالات نکند.**

### سوم- استثنائات

۱- استثنای مربوط به حقوق و آزادی‌های فردی<sup>۳</sup> - کنگره می‌تواند مقرراتی وضع کرده و فعالیت‌های خلاف آزادی‌های فردی ایالات را منع کند.

۲- استثنای مربوط به تعیین شرایط در تخصیص بودجه<sup>۴</sup> همانطور که قبلاً توضیح داده شده کنگره می‌تواند تخصیص بودجه را مشروط به وضع یا رعایت مقرراتی کند و بدین ترتیب ایالت را به طور غیرمستقیم ملزم به انجام عملی کند (وضع مقررات خاص با رعایت مقررات خاص) که به طور مستقیم صلاحیت آن را ندارد، مانند تخصیص بودجه ساختن اتوبان در ایالت را مشروط به منع صرف مشروبات الکلی توسط اطفال کمتر از ۲۱ سال در اماکن عمومی می‌کند.

عملاً دادگاه‌های فدرال و دیوان کشور در موارد نادری قوانین فدرال (مقررات یا مالیات بر تأسیسات ایالتی) را به استناد اصلاحیه دهم قانون اساسی بی‌اعتبار اعلام کرده‌اند.

1- Tax and regulation applying only to states

2- Police power

3- Civil rights exception

4- Spending power conditions exception



### گفتار دوم- مالیات ایالات بر دولت فدرال<sup>۱</sup>

ایالات نمی‌توانند بدون رضایت کنگره وسایل و تجهیزات دولت فدرال<sup>۲</sup> را مورد مالیات قرار دهند، بنابراین قوانین ایالتی که نسبت به اموال یا فعالیت‌های دولت فدرال تبعیض قابل شده و یا بار بی جهت بر آن تحمیل کند بی اعتبار هستند. با این وصف وضع مالیات‌های مستقیم غیر تبعیض آمیز<sup>۳</sup>، که موجب تحمیل هزینه غیرمنطق به دولت فدرال نشود مجاز است.

بیان چند مثال به فهم قواعد فوق کمک می‌کند.

**مثال اول-** اخذ مالیات بر درآمد<sup>۴</sup> از کارمندان دولت فدرال در داخل ایالت مانند سایر کارمندان ایالتی برخلاف قانون اساسی نیست، زیرا چنین مالیاتی هم غیر تبعیض آمیز است و هم موجب تحمیل هزینه غیرمنطقی به دولت فدرال نیست.

**مثال دوم-** فرض کنیم طبق مقررات ایالت الف کلیه پیمانکاران ساختمانی باید در هر مورد پروانه ساخت دریافت دارند، حال اگر یکی از ساکنین ایالت الف با دولت فدرال قراردادی منعقد می‌کند که در پایگاه نظامی دولت فدرال (واقع در ایالت)، ساختمانی بسازد، در مورد وی مقررات مربوط به اخذ پروانه ساخت قابل اجرا نیست.

**مثال سوم-** فرض کنیم وزارت کشور به شخصی در یکی از پارک‌های فدرال تأسیساتی را جهت فروش مواد خوراکی اجاره می‌دهد و مستأجر اجاره‌بها را ماهیانه به دولت پرداخت می‌کند. ایالتی که پارک در قلمرو آن قرار گرفته قانونی وضع می‌کند که کلیه ساکنین املاک که مالیات به مستقلات نمی‌پردازند (به دلیل مالک نبودن) بایستی مالیات به اجاره پردازند و از مستأجر دولت فدرال می‌خواهند که نسبت به میزان اجاره‌بها مالیات پردازد. مستأجر در دادگاه فدرال محل نسبت به قانونی نبودن مالیات اعتراض می‌کند. دادگاه چنین اظهارنظر خواهد کرد. که اگر چه وضع مالیات بر اموال دولت فدرال بدون رضایت او غیرقانونی است ولی چنین مالیاتی بر اموال دولت فدرال نیست بلکه مستأجر دولت فدرال است و از آنجایی که غیر تبعیض آمیز (یعنی نسبت به کلیه مستأجرین اعم از ایالتی یا فدرال) است برخلاف اصل فوق نیست.

1- State taxation of federal government

2- Federal instrumentalities

3- Indirect discriminatory taxes

4- Income tax

برعکس چنانچه ایالت بر تأسیسات دولت فدرال در پارک مالیات وضع کرده بود و یا نسبت به اجاره‌بهایی که دولت فدرال از مستأجر خود دریافت می‌دارد وضع مالیات کند در این صورت برخلاف اصل فوق است.

**مثال چهارم** - یک مأمور پست فدرال برای رانندگی اتومبیل پنخس مراسلات پستی احتیاج به داشتن گواهینامه رانندگی ایالت ندارد.<sup>۱</sup>

اساس این تئوری نیز همان اصل برتری قوانین فدرال است نسبت به قوانین ایالات وضع مالیات از طرف ایالات در مورد اموال غیرمنقول دولت فدرال و نهادهای وابسته به آن ممنوع است ولی همانطور که گفته شد وضع مالیات بر درآمد و مالیات فروش که نسبت به همه ساکنین ایالت قابل اجراست، نسبت به کارمندان دولت فدرال و فروشندگان مقیم ایالت نیز معتبر است.

### مبحث چهارم - اصول مربوط به امتیازات و مصونیت‌های شهروندان<sup>۲</sup> گفتار اول: امتیازات و مصونیت‌های پیش‌بینی شده در اصلاحیه چهارم قانون اساسی

«اصل امتیازات و مصونیت‌ها» پیش‌بینی شده در بخش سوم اصلاحیه چهارم قانون اساسی دولت‌های ایالتی را در اعمال تبعیض نسبت به اتباع سایر ایالات (اشخاص غیرمقیم در ایالت) در مواقعی که یکی از حقوق اولیه و اساسی<sup>۳</sup> مطرح است منع می‌کند. در مورد اجرای این اصل توضیحات زیر قابل توجه است:

**اول** - (چه کسانی مورد حمایت قرار گرفته‌اند) این اصل فقط شهروندان آمریکایی مقیم سایر ایالات را مورد حمایت قرار می‌دهد و این حمایت شامل شرکت‌ها و اتباع کشورهای خارجی نمی‌شود - ولی شرکت‌ها و اتباع کشورهای خارجی به وسیله اصول دیگری از جمله «اصل حمایت یکسان»<sup>۴</sup> و «اصل رسیدگی عادلانه»<sup>۵</sup> پیش‌بینی شده در اصلاحیه چهاردهم و هم‌چنین «اصل تجارت بین ایالات»<sup>۶</sup> مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

1- Johnson v. Maryland

2- Privileges and immunities clauses

3- Basic and fundamental clause

4- Equal protection clause

5- Due process clause

6- Dormant trade clause

**دوم -** (چه ارزش‌هایی مورد حمایت قرار گرفته‌اند) همانطور که در اصلاحیه تصریح شده است فقط «حقوق اولیه و آزادی‌های اساسی» مورد حمایت این اصل است، یعنی فعالیت‌هایی که وسیله اولیه کسب معاش انسان است و فعالیت‌های اقتصادی<sup>۱</sup> که شخص از آن طریق امرار معاش می‌کند با ذکر چند مثال که همه آرای صادره از طرف دیوانعالی کشور هستند، مرز میان حقوق اولیه و اساسی را با سایر حقوق که ثانویه محسوب می‌شوند و مورد حمایت قرار نگرفته‌اند روشن می‌کنیم.

**مثال اول -** ایالت الف گرفتن پروانه صید میگو برای اهالی ایالت را پنجاه دلار و برای اتباع سایر ایالات را پانصد دلار تعیین کرده است. از آنجایی که صید میگو از فعالیت‌های مهم اقتصادی برای تأمین معیشت افراد است چنین قانونی برخلاف اصل «اصل مصونیت‌ها و امتیازات» محسوب و توسط دیوان کشور آمریکا بی‌اعتبار اعلام گردیده است.

**مثال دوم -** ایالت الف گرفتن پروانه ماهیگیری تفریحی را در دریاچه ایالت برای اهالی محل پنجاه دلار و برای اتباع سایر ایالات پانصد دلار تعیین کرده است. چنین قانونی را دیوان کشور معتبر دانسته است زیرا ماهیگیری تفریحی فعالیت اقتصادی اولیه محسوب نمی‌شود و این تبعیض قابل تحمل است.

**مثال سوم -** قانون ایالتی مقرر می‌دارد نسبت به استخدام در برخی مشاغل، اهالی آن ایالت بر سایر ایالات تقدم دارند چنین قانونی برخلاف اصل فوق بوده و بی‌اعتبار است.<sup>۲</sup>

**مثال چهارم -** قانون ایالتی که مقرر می‌دارد داوطلبان وکالت دادگستری برای اینکه بتوانند در آزمایشات کانون وکلای دادگستری ایالت شرکت کنند باید حداقل مدت یک سال در ایالت اقامت داشته باشند بی‌اعتبار است چون وکالت دادگستری یک شغل و وسیله تأمین معیشت است و تبعیض نسبت به آن مخالف اصل «امتیازات و مصونیت‌ها» پیش‌بینی شده در اصلاحیه چهارم قانون اساسی است.

1- Important commercial activities

2- Hicklim V. Orleck